

مطالعه نقش مادران در فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان شهر تهران

پروین علی‌پور^{۱*}

۱- دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

با وجود اهمیتی که مسایل دینی و فرهنگ‌پذیری دینی برای فرد و جامعه دارد، اما امروزه در برخی محافل کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و فرهنگ‌پذیری دینی بیداد می‌کند و این کمرنگی خود را در مظاهری مانند بی‌حجابی و بی‌توجهی به باورها و اعتقادات دینی نمود پیدا کرده است. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که در جامعه به مقوله‌هایی مانند فرهنگ‌پذیری دینی شهروندان و تقویت ارزش‌های دینی و اعتقادی آنان توجه و اهتمام ویژه‌ای شود. در این راستا نقش عوامل زیادی قابل بررسی است، اما برجسته‌ترین نقش را در خانواده و به خصوص در مادران می‌توان یافت. بر همین اساس این پژوهش باهدف مطالعه نقش مادران در فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان شهر تهران به روش میدانی انجام شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۸۴ نفر از مادران ۲۴ تا ۵۰ ساله شهر تهران هستند که به صورت سهمیه‌ای در مناطق مختلف تهران انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داده که نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی (با ضریب ۰/۶۳۱)، اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی (با ضریب ۰/۶۰۴)، افزایش پابندی به مناسک و باورهای دینی (با ضریب ۰/۶۲۱)، ارتقای ارزش‌های

دینی (با ضریب ۰/۴۸۰) و دانش دینی (با ضریب ۰/۷۲۴) بر فرهنگ‌پذیری دینی اثر مثبت و معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای دینی، ارزش‌های دینی، دانش دینی، باورهای دینی، مادران شهر تهران.

مقدمه و بیان مسأله

هر جامعه‌ای برای بقای خود به یک ساخت فرهنگی نیاز دارد که بر اساس آن ساخت فرهنگی عمل و اقدام کند و امروزه پس از گذشت هزاران سال انسان‌ها دریافته‌اند که برای زندگی آرام و مسالمت‌آمیز باید بیش از پیش به بعد فرهنگی آن توجه کنند. مسایل فرهنگی از ابعاد و بخش‌های مختلفی دارد که بحث اعتقادات و باورهای دینی یکی از این جنبه‌های مهم است. فرهنگ‌پذیری دینی در جوامع متأثر از زمینه‌ها و دلایل گوناگونی است. بدون شک یکی از نهادهایی که بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی در تقویت ارزش‌های اسلامی و توسعه فرهنگ دینی وظیفه دارد، خانواده و بخصوص شخص مادران در خانواده هستند.

مفهوم فرهنگ‌پذیری دینی یک مفهوم ترکیبی است و شامل فرآیندی است که با اساسی‌ترین عناصر فرهنگی یعنی دینداری ساخته و تثبیت می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۱۷). بر همین اساس در بحث فرهنگ‌پذیری دینی توجه به دین و اصول آن یکی از مهمترین مسایل است و دین نظامی منسجم از باورها، رویکردها و ارزش‌هاست که در هر عصر و سرزمینی در کار است به زندگی معنی و شکوه می‌بخشد و به مدد شعائر خود جوامع بشری را استحکام و ثبات می‌بخشد. دین جزئی از فرهنگ است و فرهنگ شیوه زندگی و راه و رسم جامعه است. از این رو میان دین و فرهنگ ملل تعاملی گسست ناپذیر برقرار بوده و هست (پورعزت، ۱۳۸۳: ۱۷). بنابراین می‌توان گفت که فرهنگ‌پذیری دینی در بسترهای مختلفی انجام می‌شود که در بستر خانواده نحوه تعامل والدین به ویژه مادران با فرزندان می‌تواند بر رفتار فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنان تأثیر گذار باشد، با چنین پیش فرضی می‌توان گفت نظام تربیتی خانواده بر گرایش دینی فرزندان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت (نوربخش و اویسی فردویی، ۱۳۹۵: ۲۸۳). از طرفی دیگر در همه ادیان الهی، خانواده از مقدس‌ترین کانون‌های بشری است

که در آن انسان‌ها در کنار یکدیگر کامل می‌شوند و مهم‌ترین عامل در تربیت دینی، خانواده است و در خانواده، ساختار و چارچوب دینی فرزندان شکل می‌گیرد (نصری، ۱۳۸۵: ۳۰).

مادران علاوه بر انتقال دهنده فرهنگ مذهبی خانواده‌ها سبب می‌شوند فرزندان به سمت برنامه‌های دینی گرایش یابند و همچنین نقش آنها در ارتقای فرهنگ عمومی نیز بسیار مهم و برجسته است. در همین راستا می‌توان گفت که پدیده دینداری از موضوعات قابل توجهی است که اهمیت آن را از کثرت تلاش‌هایی می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر برای مطالعه و بررسی این پدیده در جامعه مصروف شده است. همچنین اهمیت و گسترش فرهنگ دینی و فرهنگ‌پذیری دینی از زمان طرح جهانی شدن فرهنگ بیش از پیش در جوامع دینی به خصوص اسلامی آشکار شده است. مقابله با فرهنگ وارداتی غربی و تأکید بر فرهنگ دینی در پاره‌ای از جوامع دینی چالش‌هایی، چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی، میان موافقان و مخالفان آن به وجود آورده است (اکبرنژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). پس ضرورت مطرح کردن توجه به ارتقای فرهنگ‌پذیری دینی در این پژوهش و بررسی نقش مادران می‌تواند در راستای ارتقای وضعیت فرهنگی جامعه بسیار مفید و کارآمد باشد.

در همین راستا باید عنوان کرد که مفهوم فرهنگ‌پذیری فرآیندی است که تحت تأثیر یک فرهنگ در جامعه شکل می‌گیرد و تثبیت می‌شود. فرهنگ‌پذیری به عنوان نخستین مرحله پذیرش فرهنگ، نوعی دگرگونی آرام و تدریجی است که با ارزش‌ها و باورهای اجتماعی سر و کار دارد. فرهنگ‌پذیری عبارت از تطابق و همنوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی جامعه است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴۶). فرهنگ‌پذیری دینی مطالعه تمام ابعاد و مولفه‌های دین با ابعاد و مولفه‌های فرهنگ است. فرهنگ‌پذیری دینی در تعبیری دقیق‌تر به معنای اشکال‌گوناگون تدین و دینداری است و برای رسیدن به معنی فرهنگ‌پذیری دینی باید تعریفی دقیق از دینداری ارائه داد.

دینداری مهمترین ملاک زندگی جمعی و اجتماعی انسان‌هاست. افراد و گروه‌های اجتماعی به واسطه دینداری پیوندهایی با هم پیدا می‌کنند که در هر رنگ و نژاد و پوستی که باشند خود را یک امت یکپارچه و واحد تلقی می‌کنند. در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶). سال‌هاست که نقش دین، مذهب و

مناسک و مراسم مذهبی در زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه متخصصان و علما قرار گرفته به طوری که تحقیقات در زمینه‌های مختلف مذهبی از جمله میزان مذهبی بودن، نیاز به مذهب، تأثیر مذهب بر تمام جوانب زندگی و غیره به میزان قابل توجهی فزونی یافته است (کیمیایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). بنابراین فرهنگ‌پذیری دینی شامل مجموعه باورها، ارزش‌ها و دانش مذهبی و اخلاقی است که به اشکال مختلف در رفتار اجتماعی و فردی متجلی می‌شود. این فرهنگ، بینش، نیت و کنش‌های مذهبی افراد جامعه را دربر می‌گیرد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۳۱۷). بر این اساس فرهنگ‌پذیری دینی بخش مهمی از فرهنگ عمومی جوامع را تشکیل می‌دهد.

سابقه نگاه فرهنگی به دین را می‌توان در اندیشه مردم‌شناسان یافت. آنچه در ابتدا مورد توجه آنان واقع شد، باورهای دینی اقوام ابتدایی و در مرحله بعد نمود این باورها در فضای زندگی آنان بود. در مراتب پیشرفته‌تر، انسان‌شناسی دینی با تلاش‌های امیل دورکیم^۱ روندی دیگر را در پیش گرفت که بر آن مبنای نقش و کارکرد اجتماعی دین در اجتماع تأکید می‌کرد. روند انسان‌شناسی دینی در ادامه به سمت رویکرد نمادین و تفسیری سوق داده می‌شود. در این اندیشه به فرهنگ به مثابه نظام و شبکه‌ای از معانی توجه می‌شود و دین نیز بر اساس نظامی از معانی است که برخاسته از نحوه چینش عناصر شکل دهنده است و می‌توان این معانی را به واسطه نمادها بازشناخت. معانی این نمادها نیز از سوی کنش‌گر دینی تعیین می‌شوند. به تعبیری دیگر، دین نظامی فرهنگی را صورت می‌دهد که عیار آن انسجام معنا و همبستگی نمادهای با معانی ذهنی است که مردم به آن نسبت می‌دهند (ویلیامز^۲، ۲۰۰۵: ۱۰۲؛ اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۵۹). بر این اساس فرهنگ‌پذیری دینی همپای مدرنیسم و فرهنگ مدرن است و خود جزیی از نوآوری‌هاست و به عبارت دیگر فرهنگ‌پذیری دینی حراست و پرورش دین در بستر فرهنگ جامعه است (پهلوان، ۱۳۷۷: ۷؛ اسماعیلی و آشنا، ۱۳۹۲: ۶۱). دینداری یکی از مهمترین نهادهایی که جامعه بشری به خود دیده، مفهوم دینداری و باورهای مذهبی است. در واقع دینداری عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه-

1 Emile Durkheim

2 Williams

های دینی در آن متجلی باشند اطلاق می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). مطالعه دینداری معمولاً در دو سطح انجام می‌گیرد، سطوح را می‌توان مرکزی و پیرامونی نامید (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). لایه مرکزی دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین (عقاید، مناسک، باورها و تجربه دینی) و لایه پیرامونی شامل انواع دینداری‌هاست. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکز دینداری و گونه‌های دیگر از دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند، لایه‌ای پیرامونی دینداری را شکل می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان لایه‌های پیرامونی را ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز حساب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان دین و یا ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۸). اما دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین یا همان التزام دینی از مفاهیمی است که پژوهشگران علوم دینی که حوزه علاقه‌شان مطالعه تجربی دین است به آن بسیار توجه کرده‌اند، به طوری که در طول دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هیچ موضوعی در مطالعات تجربی دین به اندازه تعیین مشخصات مفهومی دینداری مورد توجه قرار نگرفته است (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۵۸). باید توجه داشت که دینداری یا تدین ناظر به پذیرش دین توسط انسان‌هاست و در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است (فقیهی، ۱۳۸۵: ۴۸). بنابراین فرهنگ‌پذیری دینی به عنوان یک مقوله اجتماعی مهم مورد تاکید بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی بوده است. مطالعات نشان داده است افرادی که دارای مذهب مشترک باشند، بیشتر به همدیگر اعتماد می‌کنند (چوا و همکاران^۱، ۲۰۱۳: ۳۹). از طرفی دیگر دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسایل اجتماعی است (آزادارمکی و زارع، ۱۳۷۰: ۱۶۰). از این رو جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری دینی در جوامع با کاهش رفتارهای پرخطر و کاهش جرائم همراه بوده است (فلچر و کومار^۲، ۲۰۱۴: ۱۲۶).

1 Chuah

2 Fletcher, J., & Kumar

بنابراین با توجه به اهمیت یافته‌های نظری و تجربی اهمیت دین و فرهنگ‌پذیری دینی در زندگی اجتماعی، امروزه بیش از هر زمان دیگر در دنیای متلاطم مدرن پرداختن به الگوهای و مولفه‌های دینی و اعتقادی لازم و ضروری است. بنابراین در این مسیر خطیر و ظایف مادران دینی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه است. چرا که آثار و پیامدهای مذهبی در زندگی باعث کاهش پریشانی افراد شده و در ابتدایی‌ترین کارکردش، به سازگاری افراد با هنجارهای اجتماعی منجر می‌شود (کیمیایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲).

با وجود اهمیتی که مسایل دینی و فرهنگ‌پذیری دینی برای فرد و جامعه دارد، اما امروزه در برخی محافل کمرنگ شدن ارزش‌های دینی و فرهنگ‌پذیری دینی بیداد می‌کند و این کمرنگی خود را در مظاهری مانند بی‌حجابی و بی‌توجهی به باورها و اعتقادات دینی نمود پیدا کرده است. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که در جامعه به مقوله‌هایی مانند فرهنگ‌پذیری دینی شهروندان و تقویت ارزش‌های دینی و اعتقادی آنان توجه و اهتمام ویژه‌ای شود. در این راستا نقش عوامل زیادی قابل بررسی است، اما برنامه‌ریزی در محفل خانواده در همه حال می‌تواند اثر تعیین‌کننده‌ای بر فرهنگ‌پذیری دینی و مذهبی افراد داشته باشد و نقش مادران به عنوان یک برانگیزاننده فرهنگ‌پذیری دینی باعث حمایت از ارزش‌های دینی و در نهایت باعث بالندگی دین و توسعه فرهنگ دینی خواهد بود.

اهداف پژوهش

- بررسی و مطالعه نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان.
- بررسی و مطالعه نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان.
- بررسی و مطالعه نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان.
- بررسی و مطالعه نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان.

- بررسی و مطالعه نقش مادران در افزایش دانش دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان.

ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

فرهنگ‌پذیری^۱ جریانی از تبادلات فرهنگی است که در میان جوامع به صورت غالب و مغلوب به چشم می‌خورد. اخذ خصوصیات فرهنگی در بین جوامع، گاه ممکن است یک جریان دو طرفه باشد، ولی معمولاً جامعه مغلوب، خصوصیات فرهنگی بیشتری می‌گیرد. در این حالت می‌توان مفهوم اشاعه را برای گرفتن داوطلبانه خصوصیات فرهنگی و مفهوم فرهنگ‌پذیری را در مقابل اخذ خصوصیات فرهنگی تحت فشارهای خارجی نام برد (نجات حسینی، ۱۳۷۹: ۲۸). در جوامع ارزشی و دینی تاکید بر پذیرش الگوهای فرهنگی مبتنی بر دین است. بنابراین فرهنگ‌پذیری دینی شامل دانش‌های دینی مردم، گرایش‌ها و تمایلات دینی، ارزش‌های دینی و کنش‌ها و رفتارهای دینی مردم است.

فرهنگ‌پذیری یعنی جریانی که باعث تغییر فرهنگی می‌شود و زمانی به وقوع می‌پیوندد که گروه‌های مختلف فرهنگی با هم تماس و یا به نوعی ارتباط نزدیک دارند. پس در فرهنگ‌پذیری همچون اشاعه، منبع خصوصیت جدید فرهنگی، جامعه دیگر است. ولی اصطلاح فرهنگ‌پذیری بیشتر به وسیله انسان‌شناسان برای شرح حالتی به کار می‌رود که در آن یکی از جوامع در تماس و ایجاد ارتباط از دیگری بسیار قدرتمندتر باشد. بنابراین بهتر است گفته شود فرهنگ‌پذیری جریانی از تبادلات فرهنگی است که در میان جوامع به صورت غالب و مغلوب به چشم می‌خورد. اخذ خصوصیات فرهنگی در بین جوامع، گاه ممکن است یک جریان دو طرفه باشد، ولی معمولاً جامعه مغلوب، خصوصیات فرهنگی بیشتری می‌گیرد. در این حالت می‌توان مفهوم اشاعه را برای گرفتن داوطلبانه خصوصیات فرهنگی و مفهوم فرهنگ‌پذیری را در مقابل اخذ خصوصیات فرهنگی تحت فشارهای خارجی نام برد. فشار خارجی می‌تواند دارای اشکال مختلفی باشد. در شکل مستقیم یعنی حالت فتح و غلبه و استعمار، گروه غالب با فشار و زور، تغییر فرهنگی را به گروه مغلوب می‌قبولاند، مانند فتح مکزیک در حمله اسپانیایی‌ها که فاتحان، بسیاری از سرخپوستان را به زور وادار به قبول مذهب کاتولیک کردند. گاهی

نیز تغییر با فشار غیر مستقیم به وجود می آید و مردم مغلوب برای بقا و ادامه در وضعیت جدید مجبورند خصوصیات فرهنگی جامعه غالب را بپذیرند یا همانند فرد مهاجری که به علت سازگاری خود را با فرهنگ جامعه میزبان هماهنگ می سازد. به عبارت دیگر مفهوم اشاعه با تبادل فرهنگی و مفهوم فرهنگ پذیری (از نوع افراطی آن) با تهاجم فرهنگی عجین است (نجاتی حسینی، ۱۳۷۹: ۶۹). فرهنگ پذیری یکی دیگر از عوامل دگرگونی فرهنگ است. تطابق یا همنوایی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی جامعه دیگر را فرهنگ پذیری گویند. فرهنگ پذیری از رواج پدیده هایی نشأت می گیرد که بر اثر تماس مستقیم و غیر مستقیم بین گروه ها یا افراد با افراد و گروه هایی دیگر از فرهنگ های مختلف به وجود می آید. این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم به مفهوم عاریت گرفتن فرهنگی^۱ وارد ادبیات علوم اجتماعی شد (آشوری، ۱۳۸۰: ۹۹).

فرهنگ پذیری را می توان به عنوان جریانی یک سویه یا دو سویه در نظر گرفت. فرهنگ پذیری یک سویه بیشتر مربوط به کودکان است، زیرا کودک در مقابل پذیرا شدن ارزش های جدید، منفعل است و به صورت یک طرفه ارزش هایی را که از سوی جامعه به سوی او سرازیر می شود، بدون مقاومت دریافت می کند. البته تکنولوژی های جدید و ظهور ابر رسانه ها نیز زمینه شکل گیری نوع دیگری از فرهنگ پذیری یک سویه با نام «ارتباطات رسانه ای» را فراهم آورده است. این پدیده نو ظهور و گسترده همراه با جذابیت های بسیار تسخیر کننده افکار، علایق و عقاید مردم در اقصی نقاط جهان بوده است. در فرایند جهانی شدن نیز، رسانه های جمعی با قدرت ارسال ایده های متفاوت، روند نهادینه شدن ارزش های اجتماعی را تضعیف می کنند و زمینه انتقال انگاره های از هم گسیخته غیر بومی و فراملی را فراهم می آورد. فرهنگی شدن کودک از طریق خانواده به دو صورت نا آگاهانه و آگاهانه صورت می پذیرد. شکل نا آگاهانه، آن قسمت از رفتار، کردار و گفتار خانواده است که غیر مستقیم و به صورت نا آگاهانه به کودک منتقل می شود و کودک از آن الگو برداری می کند، در وضعیت آگاهانه خانواده به وسیله آموزش مستقیم، راهنمایی، امر و نهی و ... فرهنگ و ارزش ها را به کودک انتقال می دهد. بر خلاف کودکان که جریان فرهنگ پذیریشان جریانی یک سویه است،

فرهنگ‌پذیری در بزرگسالان فرایندی پیچیده و دو سویه است، زیرا شخصیت آنان تکوین یافته است و دارای فرهنگ پیشینی هستند. این فرهنگ‌پذیری دو سویه می‌تواند از طریق مهاجرت‌های بین‌المللی، برخورد‌های تاریخی اقوام یا تلاقی دو فرهنگ به طرق مختلف، سلطه استعمارگران بر مستعمرات و جز اینها به وجود آید. گروهی معتقدند فرهنگ‌پذیری در میان جوامعی صورت می‌پذیرد که از نظر قدرت سیاسی و نظامی تقریباً در یک سطح و در مراحل توسعه فرهنگی تقریباً یکسانی قرار دارند. گروهی دیگر معتقدند فرهنگ‌پذیری در میان نظام‌های فرهنگی - اجتماعی ای پدیدار می‌شود که اختلاف فرهنگی فراوانی با هم دارند. داریوش آشوری معتقد است زمانی فرهنگ‌پذیری صورت می‌گیرد که فرهنگ ملت توسعه یافته بر فرهنگ جامعه کم‌تر توسعه یافته تحمیل شود. گفته مذکور تا حد زیادی صحت دارد، اما جالب توجه است که حتی در موارد تسخیر و پیروزی قوم‌ها و ملت‌ها نیز مشاهده شده که رگه‌هایی از فرهنگ جوامع شکست‌خورده متقابلاً بر جوامع پیروز یا فرهنگ بالاتر تأثیر گذاشته‌اند (آشوری، ۱۳۸۰: ۹۹). با این حال زمانی که پدیده‌های فرهنگی تحمیل می‌شوند، این تحمیل در سایه برتری تکنولوژی، قدرت نظامی، امکانات بیشتر فنی و اقتصادی، سیاست‌های نظام یافته توسعه‌طلبانه و سلطه سیاسی انجام می‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

فرصیات پژوهش

نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است. نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

نقش مادران در افزایش دانش دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این روش ضمن به کارگیری ادبیات نظری موجود، متغیرهای اصلی پژوهش شاخص سازی شده و در پرسشنامه محقق ساخته گویه‌ها در طیف ۵ تایی لیکرت از پاسخگویان پرسش شده است. نمونه پژوهش شامل ۳۸۴ نفر از مادران ۲۴ تا ۵۰ ساله ساکن تهران هستند که به صورت سهمیه‌ای در مناطق مختلف تهران انتخاب شده‌اند. همانطور که عنوان شد روش نمونه گیری برای دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، نمونه گیری سهمیه‌ای بوده است به این صورت که ابتدا متناسب با جمعیت محله‌ها سهمیه‌ای به هر محله اختصاص داده شد و سپس در درون هر سهمیه به شکل تصادفی ساده افراد نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه به دلیل دقیق نبودن جامعه آماری از طریق جدول مورگان برآورد شده است، که بر اساس این جدول حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شده است. داده‌های گردآوری شده به کمک نرم افزار SPSS تحلیل شد. به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر نقش مادران بر ابعاد فرهنگ پذیری دینی از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

توصیف آماری پژوهش در دو بخش متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی پژوهش دسته‌بندی شده است. بر اساس نتایج حاصل از توصیف متغیرهای جمعیت شناختی میانگین سن پاسخگویان ۳۱ سال و در مورد تحصیلات نیز ۱۵/۳ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۸/۱ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۴۶/۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱۰/۴ درصد دارای تحصیلات ارشد و دکتری بوده‌اند. همچنین ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان مهاجران و بقیه افراد ساکنان اصلی تهران بوده‌اند. در مورد اشتغال آنها نیز ۳۹/۴ درصد شغل خود را آزاد و دولتی عنوان کرده‌اند و حدود ۳۳ درصد افراد خانه‌دار بوده و بقیه نیز مشاغل خود را عنوان نکرده‌اند. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد "یک میلیون تا یک میلیون نیم در ماه" بیشترین فراوانی را هم در میان پاسخگویان (۴۴/۲ درصد) و درآمد بالای پنج میلیون تومان در ماه با ۴/۵ درصد فراوانی کمتر فراوانی را داشته است. در مورد وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد دارای مسکن ملکی هستند و بقیه فاقد مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای

اسکان یافته‌اند. در مورد متغیرهای اصلی پژوهش نیز باید عنوان کرد که متغیر وابسته فرهنگ‌پذیری دینی با ۴۰ سوال شاخص‌سازی شده است. نمرات هر سوال بین ۱ تا ۵ رده بندی شده است، که نمره ۱ نشان دهنده کمترین میزان فرهنگ‌پذیری دینی و نمره ۵ بالاترین میزان فرهنگ‌پذیری دینی است. جمع نمرات ۴۰ گویه‌ها، نمره کل میزان فرهنگ‌پذیری دینی را نشان می‌دهد که بالقوه می‌تواند بین نمره ۴۰ (حداقل نمره) و نمره ۲۰۰ (حداکثر نمره) باشد. در صورتی که هر فرد برای همه سوالات عبارت "متوسط" را علامت بزند، میانگین کل نمره او از این ۴۰ سوال نمره ۱۲۰ به دست خواهد آمد. بنابراین یافته‌های توصیفی جدول زیر نشان داده است که در ارتباط با طیف فرهنگ‌پذیری دینی میانگین بدست آمده ۱۳۹/۸۶ از ۱۲۰ است که نشان دهنده گرایش نسبتاً بالا در ارتباط با این متغیر است.

جدول ۱- وضعیت توزیع فراوانی گویه‌های متغیر سبک زندگی مطالعه محور

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	حد پایین طیف	حد بالا طیف	حد متوسط طیف	میانگین
۱	فرهنگ‌پذیری دینی	۴۰	۴۰	۲۰۰	۱۲۰	۱۳۹/۸۶

یافته‌های استنباطی

- فرضیه‌های پژوهش

۱- نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثر گذار است.

جدول ۲- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر نقش مادران در گرایش‌ها و

تمایلات دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی

نام متغیر وابسته	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات	۰/۶۳۱	۰/۳۹۸	۱۲/۵۹۳	۰/۶۳۱	۶/۰۷۸	۶۸/۰۷۴	۰/۰۰۰

							دینی
--	--	--	--	--	--	--	------

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/631$) مثبتی بین نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/398$ نشان می‌دهد که متغیر نقش مادران توانسته است حدود ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی) را تبیین نماید. ضریب $B=12/539$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نقش مادران در گرایش‌ها و تمایلات دینی)، $12/539$ واحد به متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=6/08$ ، $F=68/07$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۲- نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثر گذار است.

جدول ۳- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی

Sig	F	T	Beta	B	R ²	R	نام متغیر وابسته
0/000	59/209	7/695	0/604	3/513	0/365	0/604	نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/604$) مثبتی بین نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/365$ نشان می‌دهد که متغیر نقش مادران توانسته است ۳۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/513$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (نقش مادران در اصلاح کنش‌ها و رفتارهای دینی)، $3/513$ واحد به متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=7/69$ ، $F=59/21$ و $Sig=0/000$ ،

رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۳- نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

جدول ۴- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی

نام متغیر وابسته	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی	۰/۶۲۱	۰/۳۴۵	۳/۶۵۲	۰/۶۲۱	۸/۰۳۹	۶۴/۶۲۸	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/621$) مثبتی بین نقش مادران در افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/345$ نشان می‌دهد که متغیر نقش مادران توانسته است ۳۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی) را تبیین نماید. ضریب $B=3/652$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (افزایش پایبندی به مناسک و باورهای دینی)، $3/652$ واحد به متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=8/039$ ، $F=64/628$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۴- نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

جدول ۵- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی

نام متغیر وابسته	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی	۰/۴۸۰	۰/۲۳۰	۳/۳۴۰	۰/۴۸۰	۵/۵۵۱	۳۰/۸۱۴	۰/۰۰۰

							ارزش‌های دینی
--	--	--	--	--	--	--	---------------

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی (R=۰/۴۸۰) مثبتی بین نقش مادران در ارتقای ارزش‌های دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=۰/۲۳۰$ نشان می‌دهد که متغیر نقش مادران توانسته است ۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی) را تبیین نماید. ضریب $B=۳/۳۴۰$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (ارتقای ارزش‌های دینی)، $۳/۳۴۰$ واحد به متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=۵/۵۵$ ، $F=۳۰/۸۱$ و $Sig = ۰/۰۰۰$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۵- نقش مادران در افزایش دانش دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان اثرگذار است.

جدول ۵- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر نقش مادران در افزایش دانش

دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی

Sig	F	T	Beta	B	R ²	R	نام متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۱۱۳/۴۸۲	۱۰/۶۵۳	۰/۷۲۴	۴/۰۳۵	۰/۵۲۴	۰/۷۲۴	نقش مادران در افزایش دانش دینی

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی (R=۰/۷۲۴) مثبتی بین نقش مادران در افزایش دانش دینی بر فرهنگ‌پذیری دینی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=۰/۵۲۴$ نشان می‌دهد که متغیر نقش مادران توانسته است ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی) را تبیین نماید. ضریب $B=۰/۷۲۴$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (افزایش دانش دینی)، $۰/۷۲۴$ واحد به متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری دینی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=۱۰/۶۵$ ، $F=۱۱۳/۴۸$ و $Sig = ۰/۰۰۰$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

نتیجه‌گیری

اهمیت و برجسته شدن فرهنگ‌پذیری دینی مورد تأیید و تأکید بسیاری از نظریه‌پردازان است. چرا که فرهنگ‌پذیری دینی به دلیل اینکه در مقابل جهانی شدن فرهنگ ظهور و بروز کرده است، اهمیت خاصی پیدا کرده است. به عبارت دیگر در جهان معاصر فرهنگ‌های محلی و خاص از آن رو اهمیت می‌یابند که فرایند جهانی شدن فرهنگ، سبب ظهور، رشد و گسترش فرهنگ‌های غیر جهانی - ملی، محلی، بومی، قومی و مذهبی - می‌شود و فرهنگ‌های دیگر از جمله فرهنگ‌های دینی را به مقاومت و رویارویی و می‌دارد. عناصر و اجزای اصلی این فرهنگ جهانی شونده را فرهنگ غربی به ویژه فرهنگ آمریکایی تشکیل می‌دهد و از این رو بررسی فرهنگ‌پذیری دینی و نقش آن در جوامع بسیار مهم و حیاتی است (کافی، ۱۳۹۲: ۶). همچنین دین به عنوان یکی از مهمترین نهادها در طول تاریخ پرفراز و نشیب بشریت، دوران افول و صعود زیادی را تجربه کرده است. تکامل ادیان سازمان‌یافته با تکامل سکونتگاه‌های شهری در حدود ۷ تا ۱۲ هزار سال پیش همراه بوده است (چیودلی^۱، ۲۰۱۵: ۲۲). بنابراین دین یک پدیده جدید نیست و از روزی که بشریت پا به عرصه وجود گذاشت و زندگی جمعی خود را آغاز نمود، همواره با او بوده است. همچنین در میان عناصری که یک تمدن را می‌سازند دین را نباید نادیده انگاشت. در واقع مطالعه هر تمدن، نشان‌دهنده یک زیرساخت دینی در شکل‌گیری آن است (دورانت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۳).

از طرفی دیگر ظهور و بروز برخی مسائل در درون جامعه دینی و در عرصه‌های مختلف، نه تنها در روند توسعه فرهنگ‌پذیری دینی مانع ایجاد می‌کند، بلکه باعث تضعیف دین و ارزش‌های والای دینی در سطح جامعه می‌شود. این موانع و چالش‌ها با صبغه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، باعث سست شدن باورهای دینی مردمان و کاهش میزان پایبندی آنها به دین و ارزش‌های دینی شده، به طور کلی باعث کمرنگ شدن حضور دین در جامعه می‌شوند. شناسایی و رفع این موانع، مقدمه‌ای است برای توسعه فرهنگ‌پذیری دینی در جامعه؛ بدین معنا که با رفع هر یک از موانع در بعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، شرایط و زمینه اقبال

و گرایش افراد جامعه به دین و فرهنگ دینی فراهم شده؛ در نتیجه، رشد و تعالی و توسعه فرهنگ دینی را به دنبال خواهد داشت. در محافل علمی، جامعه ایران، جامعه‌ای مذهبی شناخته می‌شود و تقریباً تمام پژوهش‌های اجتماعی صورت گرفته برای سنجش دینداری مؤید این ادعاست. به طوری که سبک زندگی شهروندان ایرانی تا حد زیادی از آموزه‌های دینی تأثیر پذیرفته است. با این حال، تحلیل‌های نظری بیانگر آن است که در جوامع در حال گذار، فرهنگ دینی یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شود و فرهنگ‌پذیری دینی در جامعه ایران هم از این تحول مستثنی نیست. در جامعه ایران که در حال گذار از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن است، به واسطه دگرگونی و تحولات سریع اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها نیز به سرعت دستخوش تغییر هستند؛ به طوری که ابزارهای هنجاریاب و فرهنگ ساز مختلف، متنوع و حتی متناقضی به صورت رسمی و غیررسمی، آگاهی، نگرش و عقاید افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین ممکن است یک نوع سردرگمی و یا تناقض در ارزش‌ها و هنجارها در افراد وجود داشته باشد به گونه‌ای که می‌توان این تغییر و تحولات را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه ایران قلمداد کرد. از این رو پرداختن به مسائلی که باعث افزایش میزان اعتقادات و گرایش‌های دینی می‌شود برای جامعه ایران دارای اهمیت وافری است. جود احکام اسلامی را در قلوب انسان‌ها دلیل تعهد اجتماعی و انسجام جامعه اسلامی است و از این رو نقش مادران بسیار با اهمیت است، چرا که نقش مادرانه در فضای خانواده جایگاه ویژه‌ای در جامعه ایران دارد. از آنجایی که وظیفه مادری می‌تواند در راستای تربیت اسلامی فرزندان قرار گیرد این انتظار وجود دارد که نقش مادران در فرهنگ‌پذیری دینی نوجوانان بسیار پررنگ و برجسته باشد و نتایج آماري این پژوهش بر همین مبنا بوده است. همچنین مادران با به کارگیری نقش تربیتی و مادرانه خود می‌توانند در میان نوجوانان جاذبه خاصی به مفاهیم دینی ایجاد کنند، چرا که مضامین دینی یک هنر در مسیر ترویج فرهنگ دین است و قداست دین و تأثیر آن بر قلوب انسان‌ها دانش و مهارت تخصصی می‌طلبد که باید با تکیه بر هنر مادرانه به این مهم نایل آمد.

- ۱- آشوری داریوش. (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: نشر آگه.
- ۲- اسماعیلی، هادی؛ آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۹۲). دینداری فرهنگی؛ نمود فرهنگ در صور دینداری، فصلنامه راهبرد و فرهنگ، دوره ۶، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحه ۵۳-۷۶.
- ۳- اکبرنژاد، مهدی؛ دالوند، فاطمه؛ حسونندی، محسن. (۱۳۹۲). کنکاشی پیرامون موانع توسعه فرهنگ دینی با تکیه بر قرآن و حدیث، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۲ شماره ۷۶.
- ۴- پهلوان، چنگیز. (۱۳۷۷). دوم خرداد و بحران گذار دین فرهنگی، راه نو، شماره ۷.
- ۵- پورعزت؛ علی اصغر. (۱۳۸۳). عاشورا، انقلاب، انتظار (مجموعه مقالات دومین گنگره سراسری عاشورا پژوهی) جلد اول.
- ۶- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دینی، تهران: انتشارات سخن.
- ۷- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان امیر کبیر». نامه جامعه‌شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۴. زمستان.
- ۸- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، دانشگاه، دین، سیاست، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.
- ۹- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۶۸). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.
- ۱۰- ریشه، گئی. (۱۳۸۶). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۱۱- ریشه، گئی، (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، ترجمه: همازنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ چهارم
- ۱۲- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۳). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی در چالش‌های دین و مدرنیته، تهران، طرح نو.
- ۱۳- شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۴- شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم (۱): ۳۴-۶۶.

- ۱۵- شریف زاده، حکیمه السادات، سیداحمد میرمحمدتبار و مریم سهرابی (۱۳۹۳)، «بررسی نقش استفاده از فناوریهای نوین (ماهواره و اینترنت) بر هویت دینی دانش آموزان»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۲۳.
- ۱۶- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه های فرهنگی تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- ۱۷- صدیق سروستانی، رحمت الله؛ (۱۳۸۷). آسیب شناسی اجتماعی، تهران، سمت، چاپ سوم.
- ۱۸- طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۰). عمل کرد دینی دانش جویان و نمادهای دین داری در میان دانش جویان. نامه ی پژوهش، جلد ۲۰-۲۱. تهران: نشر فرهنگ و ارشاد. صص. ۷۷-۹۵.
- ۱۹- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۲). پرسش از فرهنگ (۴۷): رابطه نظام ارزشی و فرهنگ چیست؟، سایت رسمی انسان شناسی و فرهنگ. <http://www.anthropology.ir/node/9132>.
- ۲۰- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۹۱)، مبانی انسان شناسی، تهران: نشر نی، چاپ اول
- ۲۱- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۹۴)، صد و یک پرسش از فرهنگ، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ یکم.
- ۲۲- قدرتی میرکوهی مهدی، خرمایی، احسان (۱۳۸۹). «رابطه دینداری با سلامت روان در نوجوانان»، فصلنامه علوم رفتاری، پاییز ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۵، ۱۱۵ تا ۱۳۱.
- ۲۳- کافی، مجید. (۱۳۹۲). فرهنگ دینی؛ مفاهیم، نظریه ها و راهکارها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۴- کیمیایی، سید علی؛ خادمان، حسین؛ فرهادی، حسن (۱۳۹۰). «حفظ قرآن و تاثیر آن بر مولفه های سلامت روان»، نشریه زن و جامعه (جامعه شناسی زنان سابق) سال دوم زمستان ۱۳۹۰ شماره ۴ (پیاپی ۸).
- ۲۵- محمدی، مجید (۱۳۸۲)، دین و ارتباطات، تهران، انتشارات کویر.
- ۲۶- میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان، رساله دکتری، جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۷- میرسندسی، سیدمحمد (۱۳۸۳)؛ میزان و انواع دینداری دانشجویان، پایان نامه دکتری رشته جامعه شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

۲۸- میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دینداری، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

۲۹- نجفی، محمود، احدی، حسن، دلاور، علی، (۱۳۸۵)، بررسی رابطه کارآیی خانواده و دینداری با بحران هویت، دوماهنامه علمی پژوهشی (دانشور رفتار)، دانشگاه شاهد، سال سیزدهم - دوره جدید، شماره ۱۶.

۳۰- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی دین، مترجم محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث.

۳۱- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات ثالث.

32- Chiodelli, F. (2015), Religion and the city: A review on Muslim spatiality in Italian cities. *Cities*, 44, 19-28.

33- Diener, E.; R.E. Lucas & S. Oishi (2002). "Subjective well-being", in R.C. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), *Handbook of Positive Psychology*, Oxford, Oxford University Press.

34- Fletcher, J., & Kumar, S. (2014), Religion and risky health behaviors among U.S. adolescents and adults. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 104, 123-140

35- Williams, R. H. (2005). Religion as a Cultural System: Theoretical and Empirical Development Since Geertz. in: Mark, D Jacobs; Nancy Weiss; Hanrahn; *The Blackwell Companion to Sociology of Religion*. First Published. New York: Blackwell.

